

# دینی که آن‌ها می‌گویند، نه!

شناخت اولویت‌ها در زندگی دینی

محمد رضا زائری

# فهرست

۱۱	مقدمه
۱۷	مجلس اول
۱۷	ذکر مؤمنان زائر
۱۸	زبان حال عزاداران حسینی <small>علیه السلام</small>
۲۲	حقیقت نماز
۲۳	راهبرد دین
۲۵	پدسوی کر بلا
۲۷	نسیمی از بهشت
۲۷	راز پدر بزرگ
۲۹	مجلس ما را هم امتحان کن
۲۹	شوق خواندن زیارت عاشورا
۳۰	انقلاب حسینی
۳۰	شهادت ها و شفاعت ها
۳۱	در این خانه به روی همه باز است

- ۳۲ اگر انسان‌ها می‌دانستند چه باطنی دارند...
- ۳۳ درمان درد
- ۳۵ مجلس دوم**
- ۳۵ حقیقت دین
- ۳۶ دین‌داری در دنیای امروز
- ۳۷ ابدیت، پیش روی انسان
- ۴۰ بارقه‌های اسلام
- ۴۱ تصمیم سرنوشت‌ساز
- ۴۱ اولویت‌های دین‌داری
- ۴۲ اهمیت دین
- ۴۲ چشیدن مرگ
- ۴۳ تمثیلی در مثنوی معنوی
- ۴۴ بهای گران عزت انسان
- ۴۶ هر عملی عکس‌العمل خود را دارد
- ۴۶ سبک زندگی
- ۴۷ شربت‌های گوازا درون ظرف‌های بدقواره
- ۴۹ دین دعوت است نه اجبار
- ۵۰ تمام زندگی فدای نماز و حجاب
- ۵۱ مجلس سوم**
- ۵۱ اولین و اصلی‌ترین منبع شناخت دین قرآن است
- ۵۱ بهترین زمان برای شناخت دین
- ۵۲ تکریم جهل؛ خیانت به دین
- ۵۳ خدا در روز قیامت دو حجت دارد: پیغمبران و عقل
- ۵۴ معنای دین‌داری
- ۵۴ امام الهی داریم؛ امام شیطانی هم داریم
- ۵۵ جبهه‌ات را مشخص کن
- ۵۶ الرحمن و الرحیم
- ۵۷ بعد فردی و بعد اجتماعی دین‌داری

- ۵۹ حرمت امامزاده را متولی آن نگه می‌دارد  
 ۵۹ من چیری ندیدم  
 ۶۰ اشک‌های شیخ بزرگ تهران  
 ۶۱ سید قوام

### مجلس چهارم

- ۶۳ هدف دین  
 ۶۳ حاکم کسی است که در خلوتش برای مردم اشک بریزد  
 ۶۴ چرا صبور نباشم که جور یار کشم؟  
 ۶۶ آخرین منبر خطیب بزرگ  
 ۶۶ مسلمانی به انسان بودن است  
 ۶۷ هرکس حیا ندارد، دین ندارد  
 ۶۸ اساس دین داری کنترل و حفظ حدود الهی است  
 ۶۹ دزدی که خیانت در امانت نکرد!  
 ۷۰ اساس دین بر اعتدال است  
 ۷۱ جامعه باید با اخلاق و عرف و آداب اداره شود  
 ۷۳ اداره جامع با قانون مندی معقول و عرف صحیح

### مجلس پنجم

- ۷۵ لا اکراه فی الدین  
 ۷۵ محتسبا، محتسبا؛ خدایا به حساب تو می‌گذارم  
 ۷۶ خیلی دور خیلی نزدیک  
 ۷۸ مرگت را قورت بده  
 ۸۰ پنهان و جهنم باطن اعمال امروز آدم‌هاست  
 ۸۱ در دین داری، تطبیق عملی و روزمره مهم است  
 ۸۲ دین نیامده زندگی را مختل کند  
 ۸۲ انتخاب بین دو بد!  
 ۸۳ بودن یا نبودن؟

### مجلس ششم

- ۸۵ فضیلت دین داری به اراده انسان است

- ۸۵ تربیت حقیقی  
 ۸۶ یک ملاک برای دیگران!  
 ۸۷ معنای امر به معروف و نهی از منکر  
 ۸۸ پیش به سوی قله  
 ۸۸ کاسه‌های داغ‌تر از آتش  
 ۸۸ مبنای اعتقاد ما عقل و منطق است  
 ۸۹ همه انسان‌ها با هم برابرند  
 ۸۹ زندگی کردن برای خدا  
 ۹۰ معامله با خدا

### مجلس هفتم

- ۹۱ قرائت اصیل از دین‌داری  
 ۹۱ خواجه در بند نقش گلدان است  
 ۹۲ امانتی نزد انسان  
 ۹۳ اصل‌کاری‌ها  
 ۹۴ در مسیر  
 ۹۴ خورشیدی برای همه  
 ۹۵ هنر واقعی  
 ۹۵ کمی کندتر، کمی تندتر  
 ۹۶ زیان‌کارترین فرد  
 ۹۷ چقدر سرو صدا!  
 ۹۸ با خدا باید معامله کرد  
 ۹۸ وصیت آقای قاضی

### مجلس هشتم

- ۹۹ چشم‌به‌راه زندگان  
 ۱۰۰ قرآن ظاهری و قرآن حقیقی  
 ۱۰۱ زود قضاوت نکن!  
 ۱۰۲ فضیلت قرآن خواندن  
 ۱۰۲ حقیقت دین‌داری؛ تشخیص ظاهر و باطن دین

- ۱۰۳ غلبه ظاهر به اصل  
۱۰۴ بدنامی یا گناه؟

۱۰۷

## مجلس نهم

- ۱۰۷ دوراهی‌های انتخاب  
۱۰۸ انسان از مرگ بزرگ‌تر است  
۱۰۸ ایمان به غیب  
۱۰۹ معامله با خدا

۱۱۱

## مجلس دهم

- ۱۱۱ با ارزش‌ترین عبادت‌ها؛ حضور در مجلس ذکر  
۱۱۴ نباید مردم را از دین ترسانند!  
۱۱۴ هدف دین؛ نزدیک کردن آدم‌ها به یکدیگر  
۱۱۴ شلاق و چماق یا رفاقت و گپ‌زدن؟  
۱۱۵ توقعتان را از مردم پایین بیاورید  
۱۱۵ خاطره‌ای از کلاس‌های استاد  
۱۱۶ داستان ضجه سوزناک

۱۱۹

## مجلس آخر

- ۱۱۹ اولویت ما زندگی ابدی است  
۱۲۰ اگر حرف مردم ملاک شود، با بت‌پرستی فرقی ندارد  
۱۲۰ دین‌داری سخت است؛ ولی نشدنی نیست  
۱۲۱ دین فقط برای آخرت نیست  
۱۲۱ تلاشی برای بهتر شدن  
۱۲۱ حجاب در باطن انسان‌هاست  
۱۲۲ پای خدا بایست، نه حرف مردم  
۱۲۲ قسم به اسم آیت‌الله دستغیب  
۱۲۲ زمینه دین‌داری، رفاقت و رابطه عاطفی است  
۱۲۳ شور و حال دین‌دار  
۱۲۴ واقعیت در برابر توهم  
۱۲۴ پیام مظلومیت شیعه

نخستین بار در آغاز دهه هشتاد، برای سخنرانی به اصفهان دعوت شدم. این دعوت از سوی مجموعه فرهنگی «عاشوراییان» بود که عملکردی متفاوت را در بین چنین مجموعه‌هایی تجربه می‌کرد و تدریجاً به الگویی برای هیئت‌های مذهبی نوگرا تبدیل می‌شد. آن‌ها می‌خواستند از فرصت مجالس سخنرانی مذهبی بهتر و بیشتر استفاده کنند و گمان می‌کردند سابقه‌ای که من در خانه روزنامه‌نگاران جوان یا مراکز مشابه داشتم، بتواند به برآورده کردن این هدف کمک کند.

این تجربه را در مجموعه‌های فرهنگی دیگر اصفهان نیز دیده بودم. آنچه این تجربه را برای من متمایز کرد، این بود که برای نخستین بار مدیران هیئت‌های مذهبی موضوع محتوای جلسات را به سخنران واگذار نمی‌کردند؛ بلکه بر اساس برنامه‌ای مشخص انتظار داشتند او در بخشی، هر چند اساسی و محوری، از یک برنامه جامع، نقش آفرینی کند و هماهنگ با سایر بخش‌ها به ارائه محتوا بپردازد.

من به عنوان داماد اصفهانی‌ها، هوشمندی و ذکاوت اهالی اصفهان را در اقتصاد و صنعت و هنر و سخن‌پردازی دیده بودم؛ اما این دقت و تدبیر در جهت ارائه برنامه‌ای مذهبی و دینی، برایم تازگی داشت و بسیار تحسین‌برانگیز بود.

«عاشوراییان» موضوع مجالس عاشورای آن سال را بر اساس ارزیابی‌شان از

ضرورت‌ها و نیازهای مخاطب تعیین کرده و بر اساس آن موضوع، شعاری برگزیده بودند و به طراحی پوستر فکر می‌کردند. از من خواستند تا محورهای اصلی سخنرانی را بر اساس آن موضوع و شعار اعلام کنم.

هدف آن‌ها این بود که بر اساس آن محورها از یک سو، اقدام لازم را برای انتشار نشریه، تهیهٔ اقلام فرهنگی و کتاب و حتی تنظیم متن نوحه انجام دهند و از سوی دیگر، با دو سخنران دیگر هماهنگ کنند؛ زیرا آن طور که به خاطر دارم، قرار بود حضرت حجت‌الاسلام استاد میرباقری، جناب حجت‌الاسلام پناهیان و من، هر کدام چند شب صحبت کنیم و طبیعتاً لازم بود که محورهای مختلف مباحث میان سخنرانان تنظیم شود.

این شیوهٔ هوشمندانه برای تأمین نیاز فکری مخاطب ضمن اینکه نوعی ارزش دادن به شرکت‌کنندگان و قدرشناسی از آن‌ها در جلسات بود. باعث می‌شد سخنران هم کار را جدی‌تر بگیرد و به اصطلاح، حساب کار دستش بیاید.

وقتی سخنران جلسهٔ دینی بداند که از مدت‌ها قبل بر اساس مطالعهٔ میدانی و برنامه‌ریزی دقیق، موضوعی برای او تعیین شده و بر اساس سرفصل‌های مباحث از او عناوین جزئی و مشخص سخنرانی هر شب را می‌خواهند و هر شب نیز متن سخنرانی او پیاده و خلاصهٔ آن در نشریهٔ روز بعد عرضه می‌شود، قطعاً با دقت و تأمل بیشتری به تدوین مطالب و ارائهٔ آن‌ها اقدام می‌کند.

تلاش ما در آن سال و سال‌های بعد که توفیق حضور در جلسات فرهنگی هیئت مذهبی «عاشورااییان» را پیدا کردم، این بود که مضامین و محتوای معارف دینی را با شیوه‌ای جدید و در قالبی نو عرضه کنیم که مخاطب را در چهارچوب احیای شاعر دینی با روح دین‌داری خردمندانه و واقعیت‌گرایی آشنا کند که بر مدار اعتدال و میانه‌روی می‌گردد؛ باورهای ریشه‌دار و اصیل دینی که در عین وفاداری به مبادی و خاستگاه‌های فکری صحیح به نیازهای عینی و ملموس مخاطب توجه کند و او را در بطن زندگی روزمرهٔ عادی و طبیعی امروز، از آن چشمه سار غنی و زلال سیراب

سازد؛ زیرا متأسفانه مشکل بسیاری از رویکردهای متنوع رایج در معرفی و تبیین موضوعات دینی آن است که در بسیاری از شواهد، دچار افراط و تفریط می‌شوند؛ یا از سوی تندى‌ها فرو می‌غلتنند یا از سوی کندى‌ها.

گاه برخی برای وفاداری به سنت‌ها و از ترس تهدید و خطر نوگرایی تجدیدخواه و دین‌ستیز، دین را چنان کهنه و نامطلوب عرضه می‌کنند که شوقی برای مخاطب نمی‌آفریند و رغبتی در او ایجاد نمی‌کند و حتی زمانی که به هر دلیل کسی به دعوتشان لبیک بگوید، چنان آن را دست‌وپاگیر یا اجراناپذیر می‌یابد که باید از خیرش بگذرد یا اینکه در بهترین حالت، در انزوا و عزلت، تعهدات دینی خود را انجام دهد و همه را اهل فسق و فجور بداند و برای حفظ دین خود به غار تنهایی پناه ببرد و چه بسا دچار آفت‌هایی چون انحراف معنوی شود. گاه نیز برخی دیگر برای روزآمد ساختن دین و کارآمدنشان دادن آن، آن چنان از دین سخن می‌گویند که گویی هیچ امر ونهی یا حرام و حلالی ندارد و با هر رفتار و کردار و گفتار و پنداری قابل جمع و هضم است و در نتیجه، مجموعه‌ای جدید و جذاب عرضه می‌کنند که مشتریان و علاقه‌مندانی گرد می‌آورد؛ اما روح اصالت دین را ندارد و بوی حقیقت آسمان را نمی‌دهد. در این میان، چاره‌ای جز این نیست که با وسواس و حساسیت فراوان در جست‌وجوی راهی میانه باشیم تا دین‌داری اصیل را در دنیای جدید به صورتی واقعی و عینی تبیین کند؛ قرائتی عقلانی که در عین وفاداری به اصول و مبانی عمیق اسلام، چنان‌که در مجامع روایی ما آمده و تفسیر معقول و سزاوار قرآن کریم است، به نیازها و موقعیت زندگی امروز مخاطب توجه داشته باشد و راهی برای تطبیق عادی و طبیعی آن باورها و نگرش‌ها در عرصه ملموس حیات بشر قرن بیست و یکم بگشاید؛ رویکردی که هم پای بر زمین محکم باورهای اصیل داشته باشد و هم دست در آسمان پوییش‌ها و چالش‌های نوپدید انسان معاصر برآورد. چنین رویکردی نیاز عاطفی جان جوان خویش را با دل‌دادگی به پاک‌ترین و سرفرازترین نمونه‌های کمال و رشد بشری پاسخ می‌گوید و عطش روحی دل‌تپ‌دار و جسم خسته خود را با سوگواری بر بزرگ‌ترین درد و داغ کائنات سیراب می‌کند.